

## عائله اسم الله الاصدق

### وحید رافتی

در شرح حیات و خدمات جناب اسم الله الاصدق و بعضی از افراد عائله ایشان مطالبی مشروح در کتاب پیک راستان به طبع رسیده و تعدادی از الواح و آثار مبارکه بهائی خطاب به اعضای آن خاندان جلیل نیز در آن کتاب مندرج گردیده است. (۱)

آنچه در این مقام مدّ نظر قرار خواهد گرفت ارائه اطلاعات و آثار مبارکه‌ای است که پس از نشر کتاب فوق بدست آمد و درج آنها در این مقاله مکمل مندرجات آن کتاب خواهد بود.

مطلب اول - شجره نامه عائله جناب اسم الله الاصدق

در صفحات بعد، شجره نامه عائله جناب اسم الله الاصدق را به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند تا ارتباط اعضای این عائله با یکدیگر حتی المقدور روشن گردد. تکمیل هر چه بیشتر این شجره نامه مستلزم مطالعات و اطلاعات وسیع‌تری است که ان شاء الله وسایل جمع آوری و ارائه آن در آینده ایام فراهم خواهد آمد.

مطلب دوم - همان طور که در شجره نامه مزبور ملاحظه می‌شود آقا میرزا حبیب الله فرزند جناب اسم الله الاصدق و برادر ایادی امرالله جناب ابن اصدق بوده‌اند. چون در کتاب پیک راستان اشاره‌ای گذرا به احوال ایشان شده (۲)، در این مقام با استناد به مندرجات کتاب تاریخ عشق‌آباد، اثر جناب استاد علی اکبر بنای یزدی اطلاعات بیشتری را درباره جناب میرزا حبیب الله ابن جناب اسم الله الاصدق در اختیار علاقمندان می‌گذارد:

«... جناب میرزا حبیب الله چندی قبل در عشق‌آباد تشریف داشت بیتی ابتیاع نموده بعد از چندی وصیّت نامچه مرقوم نموده به حقیر سپرد و خلاصه مضمونش این بود که بعد انقضاء مدّت حیات تمام مایملک من به فوق راجع است، احدی را در آن حقّی نیست. و ازین جا به سبزواری حرکت نمود و در آخر ایام در ترشیز به رحمت ایزدی واصل. صورت وصیّت نامه را حقیر به محضر مبارک

عرض نمودم. جواب آن در لوح جناب [آقا علی ابن جناب] حاجی ابوطالب می فرمایند که بما حکم الله فی الكتاب عمل نمایند و نسبت به ابن اصدق و میرزا حبیب الله اظهار عنایت می فرمایند و زیارت نامه نازل می نمایند، طوبی له و حسن مآله...» (۳)

متن لوحی که در سطور فوق به آن اشاره شده به شرح ذیل است:

«عشق آباد جناب آقا علی ابن جناب ابی طالب علیه بهاء الله

ای بنده حقّ مکتوب شما واصل و بر حوادث اطلاع حاصل گشت. از صعود جناب میرزا حبیب الله علیه بهاء الله الابهی نهایت تأثر حاصل گردید فی الحقیقه وجود مبارکی بود و مخلص در امر حقّ در این مدّت جز نعت و ستایش در حقّ ایشان مسموع نشد همواره با قلبی فارغ و روحی مستبشر و صدری منشرح به الطاف الهیّه به کسب و کار خود مشغول بود وجود ساکنی بود و به حال خود راضی و متشکر و ممنون و خوشنود. احبّای الهی باید او را فراموش ننمایند و همیشه به یاد و ذکرش مشغول گردند و از درگاه احدیّت طلب رحمت و مغفرت کنند و قبر منورش را بسازند و چند نفر بالنیابه از این عبد در یوم مبارکی زیارت قبر انور او را نمایند.

و انک انت یا الهی ماج بحر غفرانک و هاج اریاح لطفک و احسانک و فاض سحاب جودک و امتنانک علی احبائک الذین صفت ضمائرهم و طابت سرائرهم بفیضک الجلیل فی هذا الیوم العزیز و منهم هذا العبد الذی انقطع الیک و وفد علیک و حضر بین یدیک. ای ربّ انه عبدک الخاضع لعتبة قدسک السّاجد لتراب الدّلّ فی خدمة احبائک و انتسب الی من جعلته آیه رحمانیتک بین خلقک و رایة ذکرک بین عبادک. ربّ ربّ تجلّ علیه بانوار نیر غفرانک و اغرقه فی بحر لطفک و احسانک و اشمّل لحظات عین رحمانیتک امّه الّتی آمنت بک و بآیاتک و توجّهت الی ملکوت فردانیتک و دلّع لسانها بذکرک و ثنائک و انتهت انفاس حیاتها فی حبّک و التذکر بذکرک انک انت العفو الغفور الرّحمن الرّحیم.

در خصوص اموال آن متصاعد الی الله مرقوم نموده بودید به موجب وصیّت نامه او مجری دارید و در خصوص خانه اش مرقوم نموده بودید به آنچه مقتضای حکم الهی است و نصوص قاطعه ربّانی

محمد کریم صفا + نسیم جہاں → (۱) طمہ) دادہ پیر، پیر اللہ الاصمق ملا صلیق مقبس +  
 فی فی جن (جنگ فی فی)

صفت اللہ فرزان  
 قسمہ  
 آفاقہ

صفت اللہ + صفت اللہ  
 حسیب اللہ + بیبہ (بیل) + صفت اللہ  
 موزا احمد قاسمی

زنگہ  
 حلی  
 عزیز اللہ فرسلی  
 حواء اللہ  
 وجبہ

پاشدہ پیمان  
 فریدون منجم  
 شہزاد منجم  
 فرہنگ منجم

طی محمد ابن اصمق +  
 (زوجه اول) - جناب الحامیہ (۲)  
 (۱) آفاقہ +  
 صفت اللہ میر  
 (میر حقان)

طاعت خلی  
 حقیقہ  
 صفا اللہ میر  
 ملیبہ منجرب  
 نزوات الحامیہ  
 زنگہ پیر الہی  
 صورت مستطی  
 صفت میر

طی محمد ابن اصمق +  
 (زوجه اول) +  
 صفت اللہ میر  
 (میر حقان)

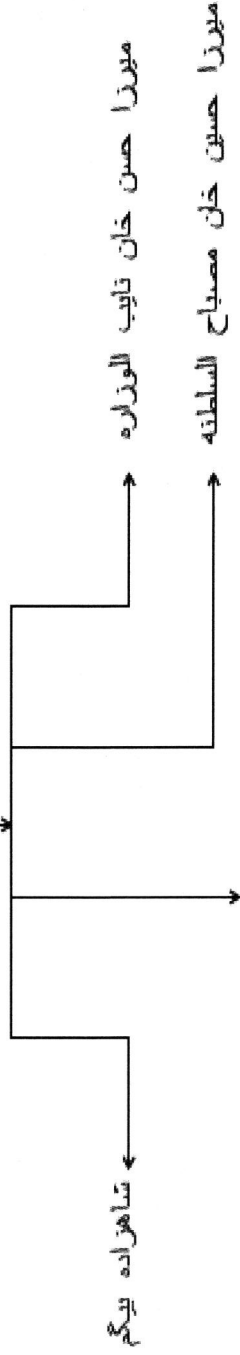
نقیبہ فتح اعظم  
 جنیہ مویں  
 بیبہ مہادی  
 نوری  
 روح اللہ فرزان  
 رفعت

شجرہ زائده جناب اسم اللہ الاصمق

فتح علی شاہ قاجار + مریم



(شاهزادہ بیگم شاہ ضیاء السلطنہ +  
حاج میرزا مسعود انصاری گرمرویی



+ شاهنشاه بیگم - آغا جان +  
محمد هاشم خان قاضی طباطبائی

میرزا مهدی قاضی

خاتم شاهزادہ میرزا اسحق  
خان انصاری گرمرویی

عزرا - ضیاء الحاجیہ (زوجہ دوم) +  
علی محمد ابن اصدق (\*)

آغا شاهزادہ (بدیعہ) +  
انتظام السلطنہ (سید عبداللہ)



+ انتظام السلطنہ (میر سید محمد) +  
خورتید لقا عفری

بقیہ شجرہ نامہ جناب اسم اللہ الاصدق

معمول دارید و هر قسم که حضرت شهید ابن شهید مصلحت می‌دانند طبقاً لشریعة الالهیه مجری دارند مراجعت به ایشان نمائید.

جناب ابوی را از قبل این عبد تکبیر ابداع ابهی ابلاغ کنید و بگوئید محزون مشو مغموم مگرد از آنچه واقع مستبشر باش و ممنون، نه افسرده و دلخون و اخوی جناب محمود را تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمائید امیدوار چنانم که با رخی پر انوار در انجمن ابرار محشور گردد و علیک التّحیة و الثناء ع ع».

جمال قدم نیز در لوحی که به اعزاز جناب ملا علی بجستانی عزّ نزل یافته درباره جناب آقا میرزا حبیب الله چنین می‌فرماید:

«یا حبیب قلبی هفته قبل نامه مفصل مبسوط که حاوی آیات الله جلّ جلاله بوده ارسال شد... خدمت حبیب روحانی جناب آقا میرزا حبیب الله ابن اسم الله الاصدق علیهما بهاء الله ابهی عرض نمایم که دو لوح اعظم اقدس اعلی که از سماء عنایت فاطر السّماء مخصوص ایشان و اخت علیهما بهاء الله نازل هفته قبل ارسال نشد حال در این کره ارسال گشت لله الحمد مذکورند از حقّ می‌طلبم ایشان را تأیید فرماید تا از بحور رحمت و عنایت و علم و حکمت الهی که در الواح مکنون و مستور است بیاشامند نسئل الله ربّنا و ربکم ان یؤیّده علی ما یحبّ و یرضی و یوقفه علی ما یرفع به امره و یظهر مقامه انّه هو السّامع المحیب و هو الرّقیب القریب...».

لوح مبارک فوق از لسان میرزا آقا جان خادم الله به تاریخ ۳ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۵ هـ ق (۱۸ دسامبر ۱۸۸۷ م) عزّ نزل یافته است.

مطلب سوّم - همان طور که در شجره نامه عائله جناب اسم الله الاصدق ملاحظه می‌شود امة الله هدهد ضلع جناب اسم الله الاصدق و مادر زوجه جناب آقا محمد کریم عطار بوده است. (۴) حضرت بهاء الله در لوحی که به ظنّ قوی به اعزاز جناب حاجی ملا علی اکبر شه میرزادی (حاجی آخوند) عزّ نزل یافته و به تاریخ ۱۳ صفر ۱۳۰۰ هـ ق (۲۴ دسامبر ۱۸۸۲ م) مورّخ می‌باشد درباره امة الله هدهد و صبیّه ایشان چنین می‌فرماید:

«الحمد لله الذی تفرّد بالمحبّة و توحّد بالوداد...»

این که درباره امة الله هدهد علیها بهاء الله مرقوم داشتید وقتی از اوقات مخصوص این فانی مجدّد ذکر ایشان را نموده و به طراز عنایت حقّ جلّ جلاله فائز شدند و لسان عظمت به این کلمه علیا

ناطق، قوله تعالى: يا أَيُّهَا النَّاطِرُ الى وجهى والقائم على خدمة امرى بشَّرها من قبلى وكبَّر عليها امرأً من لدن ربِّك المشفق الكريم. انا ذكرناها من قبل و بنت اسمى الاصدق الذى اقبل وتوجَّه الى شطرالله امرأً من عنده الى ان دخل السَّجن وقام لدى الباب وسمع نداء الله المقتدر العزيز الوهاب. انا نكبَّر عليها و على امَّها و على امائى اللائى اقبلن الى الله مالِك الرِّقاب و نوصيهن بالعمل الخالص و ما ينبغى لايَّام الله ربِّ الارباب. كذلك ماج بحرالبيان اذ يمشى الرَّحمن فى اعلى المقام انتهى. الحمد لله فازت بما ارادت قد ذكرت و نزلت لها و لبنتها ما تَضَوَّع به عرف عناية ربِّنا الكريم...» (٥)

دربارهٔ عاقبت احوال امة الله هدهد در كتاب تاريخ عشق آباد به قلم جناب استاد على اكبر بناى يزدي چنين مسطور است:

«... ضلع حضرت اسم الله الاصدق والده شهيد ابن الشهيد ميرزا على محمد ابن اصدق و جناب ميرزا حبيب الله عليهم بهاء الله و ثنائه در سنه ١٣١٨ [هـ ق/١٩٠٠ م] به اتفاق جناب آقا ميرزا احمد قائمى ابن نبيل جذب الاحباب عليهما بهاء الله و جناب آقا ميرزا محمد نقاش از طريق عشق آباد به ارض مقصود رفته به شرف زيارت عتبه مقدسه و روضه مطهره فائز شدند و به زيارت جمال منور غصن سدره بقا و اعظم تجلّى شمس جمال ابهى كه از افق هيكل عبدالبهاء ساطع و لامع و مشرق است نائل شدند و بعد از درك فيوضات و عنايات لانهايات بعد از اذن راجع شدند. در بين راه مرض جزئى بر جسد ايشان حادث شد، كثرت سن و صدمه راه مانع از براء آن مرض بوده، عاقبت مرض غالب شده آن مخدره نيز قالب را تهى نموده ارتحال و به عالم قدس بقا انتقال مى نمايد. در واقون [Wagon] قريب به عشق آباد بوده ايشان را به عشق آباد آورده او را غسل [و] كفن نموده تمام احباب در تشييع جنازه اش حاضر شده بر او نماز گزارده در مقبره اهل بهاء او را دفن مى نمايند و در زمين اعظم احباب جمع شده آيات و مناجات تلاوت مى نمايند و قهوه و چائى ميل مى نمايند. اين است معنى عاقبت بخيرى كه پس از سن هشتاد و زيارت عتبه مقدسه و درك فيوضات و طاهر شدن از سيئات و دوباره آلوده نشدن به متعلقات پاك [و] پاكيزه از جميع كدورات منقطعاً عن كلِّ الممكنات به عالم قدس نورانى طيران نمايد، طوبى له و حسن مآب....» (٦)

مطلب چهارم - همان طور که در شجره نامه جناب اسم الله الاصدق ملاحظه می شود خواهر جناب ابن اصدق، یعنی صمدیه خانم همسر جناب آقا میرزا احمد قائنی بوده است. جناب احمد قائنی، فرزند ملا محمد علی نبیل قائنی (۷)، یکی از احبای سرشناس خراسان بوده و سال ها در صفحات مختلفه آن سرزمین به خدمت امر الهی اشتغال داشته و سنینی نیز در ارض اقدس به خدمت عتبه مقدسه مشغول بوده است.

جناب فاضل مازندرانی در شرحی به اختصار درباره ایشان در کتاب ظهورالحق چنین نوشته اند: «... آقا میرزا احمد قائنی خلف آقا میرزا محمد علی نبیل اهل قائن... غالباً مراسلات این امر در خراسان به وسیله او می شد و سفری در سال ۱۳۱۷ [ه ق/۱۸۸۹م] به عکا شتافت و به حضور حضرت عبدالهء مشرف گردیده عودت نمود. آنگاه در سال ۱۳۲۲ [ه ق/۱۹۰۴م] مجدداً به عکا رفت و یازده ماه در جوار افضال به سر برده مراجعت کرد و در خراسان به مسافرت و تبلیغ و خدمت این امر مشغول گردید و عاقبت در سال ۱۳۳۴ [ه ق/۱۹۱۶م] به حیفا شتافت و حسب الاجازه به خدمات روضه ابهی و باغچه مشغول شد و چند سالی مانده درگذشت». (۸)

شرح مفصل احوال، صدمات و خدمات جناب میرزا احمد قائنی را جناب حسن فؤادی نیز مرقوم داشته و آن شرح در کتاب تاریخ دیانت بهائی در خراسان (۹)، مطبوع و منتشر است. جناب قائنی در ایام حیات خود واسطه ارسال الواح و مکاتیب متعدده بوده و خود نیز مخاطب آثار عدیده قرار گرفته است. یکی از الواح حضرت عبدالهء خطاب به ایشان در محاضرات (۱۰)، به طبع رسیده و صورت دولوح دیگر ایشان به شرح ذیل است:

«خ جناب آقا احمد ابن النبیل من اهل قائن علیه بهاء الله الابهی  
هو الله ای بی سرو سامان الهی تو شاخ آن سرو آزادی و میوه آن باغ و جویبار، از کینونت او نابتی و از حقیقت او منشعب و ثابت از خلق و خوی او با بهره ای و از عنصر جان و دل او صادر. سر مصون او هستی و لؤلؤ مکنون او لا بد باید فرع تابع اصل گردد و شاخ گوهر نخل بار آورد چون آن روح معرّد و روح مقدس ایام را در بلایای سبیل الهی بسربرد و اوقات را در مشقات عظیمه در راه خدا منتهی کرد تو که شبل آن شیرینی و اسد آن عرین باید در محبت الهی هر ساعتی بسته دام بلایی گردی و مبتلای صد هزار گونه آلام. از صدمات شما از جهتی نهایت تأثر و تحسّر حاصل و از جهت دیگر سبب امید و رجای کامل. اما سبب تأثر، از شدت بلای بی منتها و اما علت رجاء، تاسی

به آن بنده درگاه کبریا. پس خوشا به حال تو که یادگار جسم و جان او هستی و برگذار خلق و وجدان او. از درگاه بهائی امید است که شمع روشنی شوی و نور انجمنی، آیت ملکوت شوی و رایت سلطان جبروت و آثار آن بزرگوار را احیا نمائی.»

«س جناب احمد ابن من سعد الی الله النبیل قبل علی من اهل قائن علیهما بهاء الابهی هو الابهی ای جوان رحمانی ناله و فغان از هجران و حرمان نمودی و حسرت و حرقت از فرقت جمال جانان بیان کردی آتشی از سوز جانگداز برافروختی و قلب مجروحان را و کبد محرومان را بسوختی این سوز و گداز را بیان نتوان نمود و این حرقت و حسرت را تحریر و تقریر نتوان کرد قلم ضعیف را چه قدرت این شرح بسیط باشد و مداد قلیل را چه یاری بسط این بحر عظیم بود؟ پس این ناله و فغان را در عالم دل و جان گذاشتن بهتر و خوش تر است و چون شعله آتش در درون پیچد و سر پوشیده ماند و سر نهفته گردد سوزش و شدتش بیشتر باشد و حرقت و تابشش عظیم تر گردد. این عباد اگرچه به آتش فراق سوختیم لکن جناب والد الذی سعد الی الملکوت الابهی مسرور و مستبشر شد و به مشاهده و لقا فائز گردید و جناب نبیل اکبر نیز به عالم ابهی پرواز نمود و در ظلّ سدره منتهی مأوی جست و در فردوس اعلی به شرف لقا فائز گشت و کأس عنایت را از دست ساقی احدیّت نوشید و این مهجوران را آرزو چنان است که در مشهد فدا جانبازی نمائیم و خنجر جفا از این خنجر وفا موجی از دماء به حرکت آرد. باری، ای مرغ آشیان محبت الله در سبیل الهی سعی و کوشش کن و جهد و جوشش که ترویج دین الله نمائی و اشعال نار محبت الله لعمری هذا هو الموهبة العظمی و الوسيلة الکبری للفوز و اللقاء فی الملکوت الابهی ع ع.»

حضرت عبدالبهاء در محامد و نعوت جناب آقا میرزا احمد قائی در لوحی که به تاریخ ۷ می ۱۹۱۹م، در عکّا عزّ صدور یافته و مخاطب آن اعضای محفل روحانی مشهد می باشند چنین می فرمایند:

«... جناب آقا میرزا احمد قائی آن هیکل نورانی و آن نفس رحمانی در بحبوحه حرب بین دول و ملل به نهایت مشقت خود را به ساحل ارض مقدّس رساند. و چون راهها مقطوع بود اقامت در عتبه مبارکه نمود و با کمال انجذاب و اشتعال به باغبانی روضه مبارکه قیام نمود. شب و روز آرام نداشت و در حین سقایه مسجد الحرام در بحر مناجات مستغرق بود. سنگ و کلوخ را به حرکت



می آورد و ثبوت و رسوخ می نمود. عاقبت احساسات روحانی و بشارات آن جهانی چنان او را احاطه نمود که روح تحمّل نمود. قالب جسمانی ترک نمود و این قمیص ترابی را وا گذاشت و با هیكل نورانی به اوج آسمانی پرواز نمود و علیه و علی الكلّ البهاء الابهی...» (۱۱)

همان طور که در سطور فوق مذکور شد صمدیه خانم همسر جناب آقا میرزا احمد قائمی بوده و شرح حال و فقراتی از الواح ایشان در کتاب پیک راستان منتشر گردیده است. (۱۲)

ذیلاً یکی دیگر از الواح نازله از قلم جمال قدم خطاب به امه الله صمدیه را نیز مندرج می سازد:

«امه الله صمدیه علیها بهاء الله

بسمی المهیمن علی من فی الأرض و السماء انا نذکر امتی الّتی سمعت ندائی و فازت بعرفانی و شربت کوثر حبّی من ایادی امری المبرم المتین. انا سمعنا ذکرک ذکرناک و رأینا اقبالک اقبلنا الیک من هذا المقام الأعلى المقرّ الّذی فیہ ظهر کلّ امر حکیم تمسّکی بعروة عنایة الله ثمّ اذکره بربوات تنجذب بها افئدة الاماء ان ربک لهو المعلم العلیم ایاک ان تحزنک شئون الدنیا توکلّی فی کلّ الامور علی الشّاهد السّامع البصیر. البهاء علیک و علی کلّ امة اقبلت و قالت لک الحمد یا مقصود العالمین و محبوب العارفین و اله من فی السموات و الارضین». (۱۳)

مطلب پنجم - شرحی درباره امه الله شمس جهان در پیک راستان به طبع رسیده و چند فقره از الواح نازله به اعزاز ایشان نیز در آن کتاب انتشار یافته است. (۱۴)

در تزئید اطلاعاتی که در پیک راستان ارائه گشته مرقوم می دارد که لوح مندرج در مکاتیب عبدالبهاء با مطلع: «ای ورقه موقنه الحمد لله از بدایت حیات هدایت یافتی...» (۱۵)، نیز به اعزاز «امه الله المقربه ضلع عطار»، یعنی شمس جهان عزّ صدور یافته است.

قابل توجه است که لوح جمال قدم با مطلع: «یا عنایت الله علیک بهائی حمد کن مقصود عالم را...» که در کتاب مآخذ اشعار (۱۶)، به طبع رسیده نیز به اعزاز «عنایت ابن ع ط»، یعنی جناب آقا عنایت الله فرززار فرزند آقا محمد کریم عطار و شمس جهان خانم عزّ نزول یافته است.

مطلب ششم - شمه ای از احوال و چند فقره از آثار مبارکه که خطاب به جناب آقا میرزا عبدالله انتظام عزّ صدور یافته در کتاب پیک راستان آمده است. (۱۷)

لوح مبارک ذیل نیز خطاب به ایشان صادر شده است:

«جناب آقا میرزا عبدالله علیه بهاء الله ملاحظه فرمایند:

هوالمشرق عن افق الملکوت حبیباً شمس حقیقت تابان و ابر بهاری در فیضان و اریاح بهار الهی از کلّ جهات در هیجان هر قطعه از اراضی استعدادات و حقائق اگر در این یوم اعظم سرسبز و خرم نگردد شبهه ای نه که ابدال دهر از فیوضات رحمانیه محروم ماند و جز خار ندامت و نومیدی گیاهی نرویانند و دهقان معرفت و دانائی آنچه در ارض نفوس بیشتر بکوشد فیوضات و برکات تزیید نماید و آنچه مظهر فیوضات نامتناهیّه گردد تا زمین به همت زارع پاک و آماده نگردد ثمرات کلیه نبخشد و ربیع عظیم حاصل نشود. پس به همت بلند باید قصد این مقاصد ارجمند نمود و به قوت الهیه و تأییدات صمدانیه اراضی نفوس ناس را از خس و خاشاک شئون غیر لایقه به عالم انسانیت پاک و مقدّس نمود تا مستعدّ فیوضات الهیه گردد و در عالم بشریت هیچ شیء چون اخلاق و اطوار و دانائی نفوذ و سرایت نداشته زیرا قوت الهیه مؤید آن. عزّت ابدیه و عالم وجود تشنه این زلال سلسبیل الهیه است. آقا». (۱۸)

## یادداشت‌ها

- ۱- وحید رأفتی، پیک راستان (دارمشتات: عصر جدید، ۲۰۰۵ م).
- ۲- پیک راستان، ص ۳۵۶-۳۵۷
- ۳- استادعلی اکبر بنا، تاریخ عشق آباد (طهران: لجنه ملی محفظه آثار، ۱۳۳ بدیع، شماره ۹۴)، ص ۲۰۷
- ۴- جناب فاضل مازندرانی در اسرارالآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ بدیع)، ج ۵، ص ۲۶۳ چنین نوشته اند که: «هدهد... در الواح و آثار لقب مادر آقا محمد کریم عطار مشهور بود». در این عبارت محتملاً کلمه "ضلع" یا "زوجه" بعد از کلمه "مادر" از قلم افتاده است.
- ۵- تمام این لوح در مجموعه آثار قلم اعلی (طهران: لجنه ملی محفظه آثار، ۱۳۳ بدیع، شماره ۲۸)، ص ۴۹-۱۱۴ به طبع رسیده است.
- ۶- تاریخ عشق آباد، ص ۳۳۰-۳۳۱

- ۷- شرح احوال جناب ملا محمد علی نبیل قائمی در تذکرة الوفاء (لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار، ۲۰۰۲ م)، ص ۴۹-۵۳ به قلم حضرت عبدالبهاء به رشته تحریر در آمده است.
- ۸- اسدالله فاضل مازندرانی، کتاب ظهورالحق (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۱ بدیع)، ج ۸، قسمت اول، ص ۲۵۰.
- ۹- حسن فزادی بشروئی، تاریخ دیانت بهائی در خراسان (دارمشتات: عصر جدید، ۲۰۰۷ م)، ص ۱۶۵-۱۷۵.
- ۱۰- عبدالحمید اشراق خاوری، محاضرات (لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار، ۲۰۰۹ م)، ج ۳، ص ۱۹۷-۲۰۰.
- ۱۱- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (قاهره: فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱ م)، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴.
- ۱۲- نگاه کنید به پیک راستان، صفحات ۴۲، ۲۹۰-۲۹۲ و ۳۵۵.
- ۱۳- این لوح در مجموعه آثار قلم اعلی (شماره ۲۶، ص ۲۹۲-۲۹۳) نیز به طبع رسیده است.
- ۱۴- نگاه کنید به پیک راستان، ص ۳۸-۴۱، ۳۱۰-۳۱۲ و ۳۵۷.
- ۱۵- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۴ بدیع)، ج ۷، ص ۱۶۸.
- ۱۶- وحید رأفتی، مآخذ اشعار در آثار بهائی (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۲۰۰۴ م)، ج ۴، ص ۲۴۱-۲۴۲.
- ۱۷- پیک راستان، ص ۲۰۶، ۲۱۲-۲۱۵، ۳۶۲-۳۶۴.
- ۱۸- این لوح در مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۲۶، ص ۲۴۸-۲۴۹ به طبع رسیده و از امضای "آقا" که در انتهای آن آمده است چنین پیداست که از قلم حضرت عبدالبهاء در ایام جمال قدم عزّ صدور یافته است.